



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت اقتصاد

پالیسی اقتصادی

دولت جمهوری اسلامی افغانستان





دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت اقتصاد

پالیسی اقتصادی

دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت اقتصاد

ریاست عمومی پالیسی، نظارت و ارزیابی استراتیژی انکشاف ملی افغانستان

www.moec.gov.af

سپاسگذاری

پالیسی اقتصاد ملی افغانستان نتیجه عزم حکومت افغانستان برای رشد و انکشاف پایدار اقتصاد افغانستان و بازگرداندن جایگاه شایسته کشور می باشد تا افغانستان بتواند از امتیازات سیستم متحول اقتصاد جهانی بهره مند گردد. پیوستن به خانواده جهانی - همراه با آزادی اقتصادی و تجارتي - عامل مهمی برای رشد اقتصادی بسیاری از کشورها به شماررفته و سبب اشتغال زایی و کاهش فقر می گردد. علی رغم تمام چالشهای پیش رو، افغانستان مصمم است از فضای مناسب معادلات اقتصادی بین المللی بهره مند گردیده و بر تطبیق جدی این پالیسی اقتصادی ملی و تمام اصلاحات مربوط به مقررات اقتصادی که محیط کاری امن را به وجود آورده و باعث موفقیت نهادها در امر تقویت، تولید و بازتولید تولیدات اقتصادی گردد، همت گمارد.

افتخار دارم که پالیسی اقتصادی ملی افغانستان را برای سالهای آینده عرضه می دارم. این پالیسی تنها سند پالیسی اقتصاد ملی برای سالهای آینده خواهد بود. وزارت اقتصاد تلاشهای فراوان کرده است تا با تمامی وزارت ها، اساتید نهادهای اکادمیک و نماینده گان سکتور خصوصی افغانستان و نماینده گان جامعه معدنی افغانستان به طور مشترک کارکنند و من می خواهم از حمایتهای بی دریغ کلیه جوانب ذیدخل در این امر پیچیده و مهم قدردانی و سپاسگذاری نمایم.

در این بخش می خواهم از جلالتمآب محترم استاد کریم خلیلی، معاون دوم رئیس جمهور و رئیس کمیته اقتصادی کابینه و تمام اعضای محترم کابینه دولت جمهوری اسلامی افغانستان غرض همکاری و حمایت شان از اولویت های اقتصادی این پالیسی ابراز امتنان نمایم. ثانیاً از همکاری های همه جانبه اساتید محترم پوهنخی اقتصاد پوهنتون کابل هر یک محترم استاد نورالعباد، استاد مسعود و استاد سیحون، همچنان از سکتور خصوصی، جناب محترم محمدمقربان حقجو رئیس عامل اطاقهای تجارت و صنایع محترم کمین زاده رئیس اتحادیه صنعت کاران، محترم آذرخش حافظی و نماینده گان نهادهای جامعه مدنی بالخصوص موسسه اکبر، انسب، و شبکه زنان افغان قدر دانی نمایم.

همچنان جا دارد تا از مرحوم پوهاند نذیر احمد شهیدی معین مسلکی اسبق وزارت اقتصاد، محترم سید عارف نظیف رئیس عمومی طرح و توحید این وزارت و تمام روسای سکتور این وزارت و به صورت ویژه از تیم ریاست عمومی پالیسی، نظارت و ارزیابی این وزارت که نقش دارالانشای این پالیسی را داشتند هر یک محترم محمد اسماعیل رحیمی رئیس عمومی پالیسی، فرید پوپلزی رئیس پالیسی و ارزیابی، و محمد نبی سروش رئیس نظارت از تطبیق استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و تمام اعضای تیم شان که متشکل از متخصصین جوان افغانستان میباشند و از هیچ نوع سعی و تلاشی در نهایی ساختن سند دریغ نه نمودند، سپاسگذاری نمایم.

بااحترام

عبدالهادی "ارغندیوال"

وزیر اقتصاد

پیشگفتار

افغانستان از موهبت تنوع و منابع غنی و ظرفیتهایی سترگی برای افزایش در آمد های عمده اقتصادی و تجارتی برای کشور بر خوردار می باشد. پالیسی اقتصادی ملی افغانستان در کانون سکتورهای مولد اقتصادی در جهت تولید و تقویت مولفه های رشد اقتصادی در سطح کشور به منظور تحقق کامل قدرت اقتصادی کشور قرار دارد. سند پالیسی اقتصادی ملی خطوط اساسی و استراتژی هایی را ترسیم می کند که افغانستان را وارد عرصه استراتژیک رشد و شگوفایی همه جانبه اقتصادی کرده و درعین حال دسترسی شهروندان را به منابع تولیدات و دیگر موتورهای مولد بانیات اقتصادی مساعد و فراهم می سازد.

علیرغم کمک های گسترده جامعه جهانی و تلاش ها برای احیای مجدد زیربنای اقتصادی، حکومت افغانستان در طی ده سال گذشته با چالشها و موانع جدی بر سر راه انکشاف پایدار اقتصادی مواجه بوده است. تلاش برای ایجاد و ارتقای سازه های رشد اقتصادی مبتنی بر سیستم و مدل مختلط اقتصادی، خصوصی محور و رقابتی و دولتی از اولویتهای پالیسی اقتصادی ملی افغانستان طی سال های آینده خواهد بود.

پالیسی اقتصاد ملی افغانستان نتیجه مجموعه ای از اهداف دارای اولویت می باشد که با مشورت با تمام جوانب ذیدخل فراهم شده و در آن اهداف و پیامدهای رشد اقتصادی به طور جدی در نظر گرفته شده است. هدف از پالیسی اقتصاد ملی افغانستان آن است که این نگرانیها را با ایجاد یک چارچوب منسجم در پالیسی اقتصادی رفع کند. برای رفع نیازمندیهای مربوط به ارتقای ظرفیتهای توانمندیهای اقتصادی و گسترش مولفه های که قادر به توسعه بیشتر پتانسیل های اقتصادی باشند، از طریق پالیسی اقتصادی ملی و درپیش گرفتن روش توسعه متوازن اقتصادی در سراسر کشور و همچنین برای زدودن و مهار فشارها و موانعی که هم سکتور دولتی و هم سکتور خصوصی با آنها مواجه می باشند، پالیسی اقتصادی ملی با طرح اهداف اولویت بندی شده به مقابله می پردازد.

وزارت اقتصاد، در پرتو تلاشهای خستگی نا پذیر برای جلب اعتماد نهادهای اقتصادی ملی و نیز بین المللی و همچنان جذب سرمایه گذاری خارجی به منظور بلند بردن ظرفیت تولیدی و رشد اقتصادی در افغانستان تلاش مجدانه ای را به خرج داده و در آینده نیز به منظور به سر رساندن این اهداف از شناسایی و تلاش برای رفع موانع و چالش های که در حال حاضر از موانع جدی فراراه توسعه و رشد اقتصادی قرار دارند، از هیچ گونه سعی و تلاش دست بردار نخواهد بود.

به منظور رفع موانع و چالش‌های ناشی از یک پالیسی اقتصادی جدید و پویا که برای بار اول در کشور تهیه و اجرا می‌گردد، وزارت اقتصاد در این پالیسی تعریف مجددی از نقش سکتورها و روش‌های موثری را تحت عنوان "تدابیر پیشنهادی" ارائه کرده است. ساحات دارای اولویت و تدابیر پیشنهادی تنها محدود به فراهم ساختن محیطی رشد اقتصادی و اجرای موثر این پالیسی نبوده بلکه برای سکتورها اقتصادی و سکتور خصوصی و تا جایی که ممکن بوده و در مواردی که ضرورت اقتضا کند، وضع مقررات و تنظیم امور مواردی خاص می‌باشد تا اطمینان حاصل شود که موانع زیرساختاری بر طرف شده و جهت یابی اقتصاد پویا تسهیل شده است. این امر به وضوح به معنی فاصله گرفتن از روش‌های قدیمی و غیرموثر فعالیت‌های اقتصادی و دخالت و مدیریت مدرن در امور و معادلات اقتصادی ملی می‌باشد. برعلاوه، از آنجایی که مسوولیت‌های اقتصادی کشور به دنبال تکمیل شدن روند پروسه انتقال سنگینتر می‌گردند، وزارت اقتصاد پالیسی اقتصادی ملی را با این دیدگاه که افغانستان با آمادگی لازم وارد مرحله عملی و مسئولانه گردد، طرح و تدوین کرده است. به مفهوم دیگر، پالیسی اقتصادی ملی افغانستان فاصله گرفتن از تجارب غیرسازنده گذشته است که در آنها به دلیل غیبت یک پالیسی اقتصادی مدون و فراگیر، پروسه تطبیق و اجرای برنامه‌های اقتصادی با مشکلاتی مواجه بوده و منجر به تعارضات و تداخل وظایف بین ارگانهای اجرایی می‌شده، است. بنا براین، در سند پالیسی اقتصادی ملی افغانستان تلاش گردیده تا یک راهبرد شفاف و قابل تطبیق برای وزارت‌ها، سکتورهای عامه و خصوصی و تمام جوانب ذیدخل، به شمول ارگانهای حمایت‌کننده در نظر گرفته شود. پالیسی اقتصادی ملی افغانستان که مبتنی بر تعریف نقش حکومت و منافع علیای کشور می‌باشد، تضمین خواهد کرد که رشد اقتصادی افغانستان همواره به صورت ثابت و مستمر تامین گردد. بنابراین، چارچوب پالیسی اقتصادی ملی که بیانگر جهت‌یابی حکومت افغانستان در راستای انکشاف هرچه بیشتر اقتصادی کشوری می‌باشد، بر ابتکار در ساحات عمده که فهرست بندی شده اند تاکید می‌ورزد و هدف از آن ارائه رهنمود و تنظیم تعاملات و رفتارهای موثر و مفید اقتصادی افغانستان با نهادهای اقتصادی در سراسر کشور می‌باشد.



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت اقتصاد

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
i. سپاسگذاری	۲
ii. پیشگفتار	۳
I. فشرده پالیسی اقتصادی	۷
II. نیاز به طرح پالیسی اقتصادی	۳
III. دیدگاه پالیسی اقتصادی:	۴
IV. اهداف پالیسی اقتصادی	۴
1. رشد و انکشاف پایدار اقتصادی	۴
2. ارتقای سطح استخدام	۴
3. ثبات و استقرار اقتصادی	۵
4. عدالت اجتماعی	۵
V. سکتورهای دارای اولویت پالیسی اقتصادی ملی افغانستان	۷
1. سکتور زراعت و انکشاف دهات	۷
تدابیر دارای اولویت در سکتور زراعت و انکشاف دهات عبارت اند از	۸
پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند	۸
2. سکتور صنایع	۹
تدابیر دارای اولویت در سکتور صنایع	۹

- پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند ۹
3. سکتور انرژی ۱۰
- تدابیر دارای الویت در سکتور انرژی ۱۰
- پیشرفت ها در ساحات د ارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند..... ۱۱
4. سکتور مواصلات و مخابرات ۱۱
- تدابیر دارای اولویت در سکتور مواصلات و مخابرات ۱۲
- غرض پیمایش پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق شاخص های آتی در نظر است ۱۲
5. سکتور انکشاف شهری ۱۳
- تدابیر دارای اولویت در سکتور انکشاف شهری ۱۳
- پیشرفت ها در ساحات د ارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند..... ۱۴
6. سکتور معادن ۱۴
- تدابیر دارای اولویت در سکتور معادن ۱۵
- شاخص های که ذریعه آن پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق اندازه گیری میگردند قرار ذیل اند ۱۵
7. انکشاف منابع بشری و خدمات اجتماعی ۱۵
- تدابیر دارای الویت در سکتور منابع بشری و خدمات اجتماعی ۱۶
- پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های ذیل اندازه گیری میگردند ۱۶
8. انکشاف سکتور خصوصی ۱۶
- تدابیر دارای اولویت در انکشاف سکتور خصوصی ۱۸
- پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند ۱۹
9. سکتور حکومتداری ۱۹
- تدابیر دارای الویت در سکتور حکومتداری ۱۹
- شاخص های که ذریعه آن پیشرفت های ساحات دارای اولویت این سکتور اندازه گیری میگردند، قرار ذیل اند ۱۹

10. همکاری های منطقی و بین المللی ۲۰
- تدابیر دارای اولویت در سکتور همکاری های منطقی و بین المللی ۲۰
- پیشرفت ها در ساحت دارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند ۲۱
- VI. مکانیزم تطبیق پالیسی اقتصادی ۲۲

۱. مقدمه

طرح پالیسی اقتصادی در این مقطع حساس تاریخ برای کشور ما که یکی از کشورهای رو به انکشاف و وابسته به کمک های خارجی است، بمنظور تسریع روند رشد و انکشاف پایدار اقتصادی و خود اتکائی یک امر مهم و لازمی و در عین حال موضوع مغلق و پیچیده ی می باشد که عاری از مشکلات نیست.

از نظر علمای علم اقتصاد، پالیسی اقتصادی دارای تعابیر متفاوت بوده که با در نظر داشت شرایط موجوده اقتصادی کشور تهیه و ترتیب میگردد. اما در افغانستان پالیسی اقتصادی به روند اتخاذ تصمیم مهم و بنیادی، بشمول تشخیص برنامه ها، بدیل ها و انتخاب اولویت ها براساس نتایج و تاثیرات اقتصادی و اجتماعی آنها اتلاق میگردد.

پالیسی اقتصادی در حقیقت بازتاب دهنده عملکرد دولت در عرصه های اقتصادی بصورت کل بوده که در برگزیده سیستم های پلان گذاری و بودجه غرض بدست آوردن اهداف اقتصادی از طریق انتخاب دقیق اولویت ها می باشد. بناً پالیسی اقتصادی منحصراً پالیسی مادر در برگزیده تعداد زیادی از پالیسی ها در سطح اقتصاد ملی (پالیسی مالی، پولی) و پالیسی های سکتوری مانند پالیسی تجارت، صنایع، خدمات، زراعت و غیره می باشد.

در ماده دهم قانون اساسی افغانستان از نظام اقتصاد بازار به ارتباط حمایت از سرمایه گذاریها و تشبثات سکتور خصوصی تذکر بعمل آمده، اما مودل مشخص اقتصاد بازار در افغانستان تثبیت نگردیده و هیچگونه توضیح داده نشده است که با کدام مودل اقتصاد بازار عملکرد دولت باید تنظیم گردد. متأسفانه طی دهه گذشته بدون دقت، تامل و تحلیل درست از شرایط عینی کشور و بدون در نظر داشت اینکه کدام مودل اقتصادی با شرایط کشور ما سازگار بوده، تصمیم غیر واقعینانه اتخاذ گردیده است. در نتیجه تطبیق مشوره های صندوق وجهی بین المللی IMF در قبال خصوصی سازی تصدی های دولتی منتج به انحلال در حدود 20 تصدی دولتی و غیر فعال و نیمه فعال نگهداشتن بیش از 52 تصدی دیگر گردید است. تصدی های منحل شده به عوض اینکه دوباره فعال و زمینه کار و تولید را فراهم سازند تبدیل به تجارت خرید و فروش زمین آنها گردیده است. عدم سیاست های حمایتی مناسب برای رشد و انکشاف سکتور خصوصی و حمایت آن در مقابل سیاست دمپنگ کشور های همسایه و منطقه اسباب تضعیف صنایع تولیدی کشور را بیار آورده است. از جانب دیگر عدم مداخله دولت در بازار سبب گردیده تا گروه های انحصاری ایجاد گردند و بجای رقابت در نرخ تولید کالا و خدمات، در تبانی باهمدیگر باعث بلند نگهداشتن قیمت ها و مانع دخول متشبین جدید در مارکیت میگرددند. این پالیسی به منظور پاسخ دهی به مسایل فوق طرح و بدین منظور ایجاب مینماید تا با در نظر داشت شرایط عینی کشور مودل نظام اقتصاد بازار که سازگار با شرایط موجود و منافع ملی کشور را تامین نماید مشخص گردد و حدود مداخلات دولت را واضح سازد. از آنجاییکه در مودل نظام

اقتصاد بازار نقش دولت منحيث تسهيل کننده، فراهم کننده، تنظيم کننده و پاليسي ساز بوده و سكتور خصوصي نقش تبديلي کننده تمام فرصت هاي موجود را به سرمايه دارد، ميباشد. اما نظر به شرايط کنوني کشور تا زمان که کشور به حالت عادي رشد اقتصادي قرار گيرد اين پاليسي اقتصادي در عرصه سرمايه گذاري با در نظر داشت شرايط موجود و منافع ملي کشور تاکيد بالاي سرمايه گذاري هاي خصوصي و در بعضي موارد سرمايه گذاري هاي مختلط و دولتي مينمايد و اصلاحات ذيل را پيشنهاد مينمايد:

1. احياي مجدد تصدي هاي دولتي و توقف آني خصوصي سازي آنها با در نظر داشت اصلاحات جدي در نحوه مديريت آنها.
2. تشويق صنايع داخلي کشور از طريق فراهم نمودن ضمانت ها و تسهيلات و حمايت شان از سياست هاي دامپنگ کشور هاي همسايه و منطقه با استفاده از وسايل سياست مالي و پولي کشور.
3. حصول اطمينان از موجوديت رقابت در بازار و جلوگیری از انحصار و افزايش نرخ فيم با استفاده از پاليسي رقابت، منع احتكار، توسعه ذخاير استراتژيک دولتي (مخصوصاً در عرصه مواد موردنياز اوليه) و حاکميت قانون بالاي تمام متبشئين کوچک، متوسط، بزرگ، داخلي و خارجي بصورت يکسان و شفاف.
4. بادر نظر داشت وضعيت ثبات سياسي و امنيتي اکثراً متبشئين خصوصي سرمايه گذاري روي صنايع ثقيله مانند فابريکات پروسس مواد معدني (مانند ذوب آهن، تصفيه نفت، و غيره) و فابريکات توليدي (مخصوصاً توليد انرژی از ظرفيت هاي موجوده آبي، گاز و ذغال سنگ کشور) نمی نمايند، بناً، در چنين سكتور ها بايد بالاي طرح سرمايه گذاري هاي دولتي و مختلط توجه جدي صورت گيرد.
5. تزويد در تشکيل ادارات سکتوري و اقتصادي جهت تسريع پروسه تطبيق پلانهاي اقتصادي و زيربنايي.
6. يک کمیته مطالعات استراتژيک اقتصادي از اهل خيره کشور ايجاد گردد تا اثرات تطبيق اين پاليسي را مورد تحليل مسلکی و اکادميک قرار داده و در مقاطع مختلف زماني و مراحل انکشافی کشور نظام اقتصادي را تعريف و حدود حمايت و مداخله دولت را در مطابقت با شرايط عيني جامعه تثبيت نمايد.

II. نیاز به طرح پالیسی اقتصادی

پالیسی های انکشافی و اقتصادی افغانستان طی ده سال گذشته تحت تاثیر عوامل مختلف قرار داشته که عمده ترین آن اتکاء به کمک های خارجی، روند سریع انتقال از نظام اقتصاد مرکزی به نظام اقتصاد بازار بدون در نظر داشت شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و نبود ظرفیت لازم غرض مدیریت سازنده این روند و تشدید نا امنی ها، میباشد. اتکای بودجوی افغانستان به کمک های خارجی بصورت خواسته یا ناخواسته، پالیسی های اقتصادی و انکشافی کشور را تحت تاثیر استراتژی ها و پالیسی های کشور ها و نهاد های کمک کننده قرار داده است. کشور های کمک کننده بر اساس خواسته ها و تجارب کشور مربوطه شان، طرح و تطبیق پالیسی ها و استراتژی های افغانستان را متاثر نموده است. بنابراین در کل پالیسی اقتصادی کشور تحت نظام اقتصاد بازار دچار یک حالت سردرگمی بوده و اقتصاد کشور در یک حالت پراگندگی پیش برده شده و به یک کشور مصرفی منطقه مبدل گردیده است.

علی الرغم اینکه، جامعه جهانی طی ده سال گذشته مبالغ هنگفتی را بصورت سخاوتمندانه برای بازسازی و انکشاف کشور تعهد و مصرف نموده است، ولی این مصارف از موثریت چندانی برخوردار نبوده و قادر به تامین رشد و انکشاف پایدار اقتصادی در کشور نگردیده است؛ چنانچه قسمت بزرگ از این کمک ها بمنظور تامین امنیت و تطبیق پروژه های دارای تاثیرات کوتاه مدت مورد استفاده قرار گرفته است. با آغاز روند انتقال و دهه تحول، پروسه گذار از مدیریت پروژه های دارای تاثیرات کوتاه مدت بسوی پروژه های اساسی و بنیادی و بمنظور خودکفایی و مستقل از کمک های خارجی موجودیت و داشتن یک پالیسی معقول اقتصادی بر مبنای اقتصاد بازار که با شرایط عینی کشور سازگار باشد و زمینه را برای سرمایه گذاری دولتی، مختلط و خصوصی با در نظر داشت منافع ملی کشور که متضمن رفاه عامه، رشد و انکشاف پایدار اقتصادی، کاهش فقر و ایجاد شغل گردد، الزامی پنداشته میشود.

پالیسی اقتصادی کشور منحصیث چتر عمومی، تمام قوانین، مقررات و تدابیر را در بر داشته که دولت به منظور سوق و رهبری اقتصاد ملی و سکتور های اقتصادی جهت حصول حتی المقدور بیشترین مفیدیت از ظرفیت های مجموعی کشور (در مرکز و ولایات) بکار برده و ظرفیت تولیدی تمام عرصه های مختلف اقتصادی را جهت بلند بردن مفیدیت و موثریت ملی بهتر و مطمئن تر ساخته و زمینه همکاری های منطقوی و بین المللی را فراهم نماید.

III. دیدگاه پالیسی اقتصادی:

دیدگاه اقتصادی ما رشد و انکشاف پایدار اقتصادی بر مبنای اقتصاد بازار که با شرایط عینی کشور ما سازگار و منتج به ارتقای سطح استخدام و ارتقای سطح رفاهیت مردم گردد، میباشد.

IV. اهداف پالیسی اقتصادی

با در نظر داشت دیدگاه فوق، پالیسی اقتصادی روی اهداف اساسی رشد و انکشاف پایدار، استخدام کامل، ثبات اقتصادی، کاهش فقر و عدالت اجتماعی متکی بوده که با طرح و تطبیق پالیسی‌ها، پلان‌های انکشافی سالانه و پنجساله به اهداف فوق نایل خواهد آمد:

1. رشد و انکشاف پایدار اقتصادی

تشخیص عوامل و سکتورهای تولیدی با در نظر داشت ظرفیت، امکانات و شرایط موجود کشور و رعایت ارتباط ذات الینی سکتورها منجر به رشد و انکشاف پایدار اقتصادی کشور در کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت گردیده که عمدتاً وابسته به رشد سکتورهای تولیدی منجمله سکتورهای زراعت، صنعت، انرژی، مواصلات، مخابرات، معادن، و ارتقای منابع بشری خواهد بود. بناً ایجاب مینماید تا دولت همواره سکتورهای فوق را مورد حمایت قرار داده و زمینه جلب سرمایه گذاری‌های بیشتر را در این سکتورها از طریق تشبثات خصوصی و دولتی فراهم نماید. رشد پایدار اقتصادی از طریق رشد سرمایه گذاری‌های دولتی و خصوصی در سکتورهای مختلف اقتصادی، رشد صادرات، انکشاف زیربناهای اقتصادی، ارتقای سطح مولدیت و موثریت، توسعه ظرفیت‌های تولیدی و ارتقای سطح استخدام میسر میگردد. در بسیاری از کشورها رشد اقتصادی توسط رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) پیمایش میگردد.

2. ارتقای سطح استخدام

ایجاد کار و فعالیت‌های اقتصادی عناصر اساسی رشد و انکشاف اقتصادی میباشند. بر اساس سروی ملی آسیب پذیری و خطرات 2007/2008 میزان بیکاری ناقص تقریباً 48% تخمین گردیده است. رشد بلند نفوس همراه با 48% نفوس تحت سن 15 سال با تخمین افزایش 400 الی 500 هزار نیروی جدید کار سالانه در دهه آینده از جمله چالش‌های عمده مارکیت کار و سطح استخدام میباشد که باید به آن بصورت بسیار جدی پرداخته شود. بناً ایجاب مینماید تا کادرهای مسلکی و متخصص تربیه و تمرکز سرمایه گذاری به سکتورها و برنامه‌های جلب گردد که نیاز به نیروی بشری بیشتر داشته باشد تا باعث ارتقای سطح استخدام گردد.

ارتقای سطح استخدام بصورت مستقیم بر کاهش فقر تاثیر دارد. رشد و افزایش سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی در سکتور زراعت و مالداري و صنايع در افزايش سطح استخدام کشور نقش کلیدی دارد.

3. ثبات و استقرار اقتصادی

ثبات اقتصادی یکی از اهداف مهم پالیسی اقتصادی بوده که روی رشد و انکشاف اقتصادی پایدار کشور تاثیر گذار میباشد. ثبات و استقرار اقتصادی از یک طرف استقرار سطح قيم و از جانب ديگر توازن بيلانس تاديات را در بر دارد.

a. **استقرار سطح قيم:** نگهداشتن سطح قيم در يك حد مناسب بصورت مستمر و پایدار پيش زمينه خوب برای رشد سرمایه گذاری تلقی میگردد. نظارت دوامدار و ثابت نگهداشتن نرخ تورم در افغانستان از مکلفیت های اساسی دافغانستان بانک میباشد. ثبات نرخ تورم بر استقرار ارزش پول داخلی تاثیر مثبت داشته و در نهایت تشکل سرمایه را بار آورده باعث سطح ارتقای تولیدات داخلی میگردد. در نتیجه سبب تعویض واردات شده و سطح مصارف اسعاری کشور را کاهش میدهد. پیشرفت ها در عرصه های متذکره توسط این شاخص ها پیمایش میگردد: ثبات نرخ تورم، ثبات نرخ تبادل (استقرار ارزش پول داخلی مقابل اسعار خارجی)، ازدیاد در سطح تولیدات داخلی و کاهش در سطح مصارف اسعاری کشور.

b. **بیلانس تاديات:** گزارش احصایوی است که خلاصه معاملات اقتصادی افغانستان را با سایر کشور های جهان ارایه مینماید. احصایه ها و ارقام چندین سال گذشته نشان دهنده این است که میزان صادرات ما نسبت به واردات فوق العاده کم بوده که اگر وضعیت به همین منوال دوام نماید ما قادر به تمویل این کسر بیلانس تجارت نخواهیم بود. در چنین وضعیت نیاز مبرم برای طرح و تطبیق پالیسی تشویق صادرات، حمایت تولیدات داخلی، تعویض واردات و سرمایه گذاری در تشبثات کوچک و متوسط احساس میگردد.

ازدیاد سطح تولیدات، استقرار ارزش پول، جلوگیری از افزایش مصارف و تشویق صادرات نقش اساسی در تامین ثبات اقتصادی کشور دارند. دراین رابطه استفاده معقول از پالیسی های حمایتی و تعرفوی به منظور توسعه و انکشاف صنايع و تولیدات داخلی وسایل مهم اند که حدود آن ها با در نظر داشت تاثیرات مالی، اقتصادی و انکشافی توسط ادارات زیربط تثبیت گردد.

4. عدالت اجتماعی

ابعاد مختلف عدالت اجتماعی در ماده ششم قانون اساسی کشور بصورت همه جانبه تشریح گردیده است "دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی براساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تامین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف میباشد." در این پالیسی اقتصادی ما

بیشتر توجه به بعد اقتصادی عدالت اجتماعی با در نظر داشت قوانین نافذ کشور مینماییم که همانا دسترسی تمام افغانها اعم از زنان و مردان به خدمات اساسی، کاهش فقر و رفع معضله توزیع غیر عادلانه عاید مییابد. تحلیل سطح فقر در کشور بصورت سالانه بخاطر هزینه بلند سروی ملی خانوار مشکل بوده، اما ارقام موجوده مبین این است که تقریباً یک سوم نفوس کشور زیر خط فقر زنده گی دارند و تقریباً نصف نفوس از مصونیت غذایی برخوردار نیستند. ارقام همچنان نشان میدهد که سطح فقر در دهات بیشتر از شهرها مییابد. با وجودیکه طی دهه گذشته بصورت اوسط رشد اقتصادی ما تقریباً سالانه 8% بوده اما سطح فقر به مقیاس رشد اقتصادی کاهش ننموده است. این بدین معنا است که در عمل تنها یک طبقه محدود کشور از این رشد اقتصادی مستفید میگردند.

قابل یادآوری است که تمام اهداف فوق همزمان بدرجه مطلوب تحقق نه یافته و تضاد در حصول آنها وجود میداشته باشد. از این جهت در مصالحه و ترکیب تثبیت اهداف باید اصل موثریت و معقولیت را در نظر گرفت که این موضوع در تامین رفاهیت جامعه و ارتقای سطح زنده گی مردم موثر است. ارتقای سطح استخدام برای زنان و مردان از طریق تامین رشد و انکشاف پایدار در کشور ما از اهداف مهم و دارای اولویت است که به منظور زدودن فقر و تامین عدالت اجتماعی نقش اساسی دارد.

۷. سکتور های دارای اولویت پالیسی اقتصادی ملی افغانستان

بمنظور دستیابی به اهداف این پالیسی در ارتباط به انکشاف سکتور های زراعت و آبیاری، انرژی، صنایع، مواصلات و مخابرات، معادن، انکشاف منابع بشری، و طرح های عملی بمنظور تقویت و حمایت از انکشاف سکتور خصوصی مخصوصاً توجه به تشبثات کوچک و متوسط، حمایت همه جانبه از افزایش صادرات، تولید مواد خام برای صنایع و اقدامات عملی بمنظور رسمی سازی سکتور خصوصی غیر رسمی، باید اقدامات و تدابیر مشخص اتخاذ گردد. همچنان استراتژی انکشاف ملی افغانستان و 22 برنامه ملی دارای اولویت که قبلاً ترتیب گردیده و در کنفرانس توکیو مورد تایید جامعه بین المللی قرار گرفته در راستای حصول اهداف فوق کمک مینمایند. سکتور های دارای اولویت پالیسی اقتصادی ملی کشور در ذیل توضیح میگردند:

1. سکتور زراعت و انکشاف دهات

افغانستان یک کشور زراعتی بوده که اساس رشد اقتصادی آنرا زراعت تشکیل میدهد. ارقام احصایوی نشان میدهند که حدوداً 70% نفوس کشور مخصوصاً در دهات بنحوی مصروف فعالیت های زراعتی میباشند. بناً سکتور زراعت باید در اولویت های سرمایه گذاری قرار گیرد که سرمایه گذاری در آن، نه تنها موجب کاهش فقر و افزایش مصونیت غذایی گردیده، بلکه باعث آزاد ساختن کشور از فشار های سیاسی و اقتصادی کشور های همسایه، منطقه و جهان نیز خواهد گردید. انکشاف سکتور زراعت مستقیماً ارتباط با مدیریت منابع آبی کشور دارد، بناءً غرض رسیدن به این مامول ایجاب مینماید تا اقدامات جدی در احداث بند های آبی که قبلاً مطالعات مقدماتی شان تکمیل گردیده صورت گیرد، چون در استراتژی ها و برنامه های گذشته به این سکتور کمتر توجه صورت گرفته است.

بخش اعظم صادراتی ما بنیه زراعتی و مالداری داشته و هم یک بخش مهم واردات ما مواد ارتزاقی و غذایی است که با انکشاف سکتور زراعت، نه تنها سطح استخدام افزایش نموده بلکه از طریق ازدیاد صادرات و تعویض واردات تاثیرات مثبت بالای بیلانس تجارت بجا میگذارد. انکشاف زراعت در زدودن فقر که در ولایات کشور بیشتر است نقش اساسی دارد. علاوه براین زراعت مواد خام صنایع را فراهم مینماید که به نوبه خود در انکشاف و رشد اقتصادی اهمیت حیاتی دارد.

رشد و انکشاف اقتصادی محلی از طریق تفویض صلاحیت ها و منابع لازم برای پلانگذاری و بودجه سازی بر اساس نیازمندی های محلی و رشد اقتصادی زنان و جوانان روستایی در کاهش فقر و افزایش سطح اشتغال در روستا های کشور نقش ارزنده دارد. سکتور انکشاف دهات زمینه توانمند شدن اقتصادی مردم را با تامین رفاه مناطق روستایی از طریق،

انکشاف زیربنا و اقتصاد دهات، حکومتمداری خوب محلی، تقویت ادارات، انکشاف سرمایه بشری و هماهنگ نمودن مراجع که در انکشاف دهات سهیم اند، فراهم مینماید.

تدابیر دارای اولویت در سکتور زراعت و انکشاف دهات عبارت اند از

- 1- تبدیل زمین های بکر و بایر به اراضی زراعتی و تحت زرع از طریق مدیریت بهتر منابع آبی کشور .
- 2- ابتکارات غرض میکانیزه کردن سیستم زراعتی .
- 3- حمایت از کوپراتیف های زراعتی و فراهم نمودن قرضه ها برای دهاقین و ایجاد بانک های انکشاف زراعتی.
- 4- ایجاد و انکشاف مراکز تحقیقاتی و ترویجی محصولات زراعتی و مالداری و مبارزه جدی علیه آفات زراعتی و مالداری.
- 5- فراهم نمودن زمینه سرمایه گذاری سکتور خصوصی در سکتور زراعت.
- 6- ارزش افزایی به محصولات زراعتی از طریق انکشاف زیربنای ملی کیفیت (ستندرد سازی، ارزیابی مطابقت و اعتباردهی) و نتیجتاً بهبود ظرفیت رقابتی در مارکیت های داخلی و خارجی
- 7- ایجاد سرد خانه ها و ذخایر تولیدات زراعتی و ذخایر استراتژیک.
- 8- حفظ علفچر ها به منظور تقویه و حمایت از مالداری و کوچی ها
- 9- حفظ، احیا و توسعه جنگلات بمنظور حفظ حیات وحش و محیط زیست.
- 10- وضع محدودیت بر واردات محصولات مشابه زراعتی.
- 11- تامین رفاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم دهات که به انواع فقر و آسیب پذیری مواجه میباشند.
- 12- فراهم نمودن دسترسی مردم دهات به خدمات اساسی، بلند بردن سطح استخدام در دهات با توجه به انکشاف زیربنایی، اقتصادی و حکومتمداری خوب محلی .

پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند

- سالانه هکتار زمین که جدیداً تحت آبیاری و قابل زرع قرار میگیرند،
- فیصدی حجم تولیدات زراعتی و مالداری،
- افزایش فیصدی سهم محصولات زراعتی در GDP،
- افزایش حجم صادرات محصولات زراعتی و مالداری.
- فیصد فقر در دهات
- افزایش فیصدی اشتغال مردم اعم از مردان و زنان در دهات کشور

2. سکتور صنایع

ایجاد ارزش اضافی محصولات زراعتی در نتیجه فعالیت های اقتصادی که در این پالیسی مورد تاکید ویژه ی قرار گرفته است، از اهمیت خاصی برخوردار میباشد. ایجاد ارزش اضافی محصولات زراعتی از طریق حمایت تشبثات خصوصی مانند ایجاد فابریکات نساجی، پروسس مواد غذایی، لبنی و میوه جات و بسته بندی با استندرد های معیاری سبب اشتغال گسترده و جلوگیری از ضایعات محصولات زراعتی میگردد. بناً، تقویت سکتور صنعتی و جلب سرمایه گذاری سکتور خصوصی در این سکتور در اولویت قرار گیرد. وضعیت فعلی بیلاس تجارت قابل قبول نبوده و باید در رابطه به تعادل آن به جدیت عمل گردد. اولویت دهی برای آن رشته صنایع که مواد خام آن در داخل کشور فراهم میگردد، داده میشود. سیاست حمایتی و تعرفوی بمنظور تشویق صنایع داخلی و جلوگیری از سیاست دمپینگ باید مدیریت گردد.

تدابیر دارای اولویت در سکتور صنایع

- 1- تهیه پالیسی صنایع و حمایت از سرمایه گذاری های بزرگ و تشبثات متوسط و کوچک (SME).
- 2- حمایت از سرمایه گذاری ها در صنایع و صنایع مرتبط با زراعت و مالداری با در نظر داشت مزیت نسبی.
- 3- طرح و تطبیق پالیسی تعویض واردات.
- 4- ایجاد میکانیسم برای قرضه های دراز مدت بمنظور سرمایه گذاری ها روی پروژه های بزرگ انکشافی.
- 5- ایجاد زیربنا های صنعتی (پارک های صنعتی).
- 6- بلند بردن ظرفیت منابع انسانی با در نظر داشت نیاز مارکیت.
- 7- حمایت از صنایع دستی کشور.

پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردد

- تعداد کمپنی های راجستر شده فعال در طول سال،
- میزان سرمایه گذاری سکتور خصوصی با تفکیک سرمایه گذاری داخلی و خارجی،
- میزان سطح استخدام طی سال،
- میزان سطح محصول نا خالص صنایع به تفکیک صنایع فابریکاتی و دستی،
- میزان حجم صادرات و واردات.

3. سکتور انرژی

انرژی محرک اصلی تولید برای سکتور های مختلف مخصوصاً در انکشاف سکتور خصوصی محسوب شده و ایجاب مینماید تا بمنظور رشد صنایع تولیدی به سکتور انرژی ارجحیت داده شود. نکته اساسی در این جا این است که تمرکز روی تولید انرژی از منابع مولد انرژی داخلی کشور صورت گیرد، زیرا برق وارداتی بنابر سه دلیل همیشه آسیب پذیر است. اول سیاسی: در صورت تغییر سیاست های منطقی و ایجاد مشکل در روابط با کشور های همسایه، احتمال قطع یا مختل نمودن هرزمان آن ممکن است. دوم: رو به انکشاف بودن کشور های همسایه سبب افزایش نیازمندی داخلی شان به نیروی انرژی بصورت طبیعی زیاد شده احتمال آن میرود که بعد از چند سال دیگر تولید اضافی انرژی غرض فروش به ما را نداشته باشند. سوم: دو عامل فوق باعث عدم اطمینان سکتور خصوصی بمنظور توسعه سرمایه گذاری در سکتور صنایع میگردد. در دهه گذشته تلاش هایکه روی این سکتور صورت گرفته بیشتر روی تولید برق حرارتی و برق تورییدی متمرکز بوده تا تولید برق آبی که افغانستان دارای ظرفیت فوق العاده زیاد میباشد. ارقام موجود بیانگر این واقعیت است که آبهای موجود کشور ظرفیت تولید اضافه تر از 23000 میگاووات برق را دارا میباشد. اگر سرمایه گذاری دقیق روی این سکتور صورت گیرد، افغانستان بر علاوه تکافوی انرژی مورد نیاز داخلی قادر به صدور انرژی به خارج کشور نیز خواهد شد.

لازم به تذکر است که توجه به سکتور انرژی نه تنها امکانات همکاری های منطقی بین کشور های منطقه را که در انکشاف اقتصادی کشور ما نقش کلیدی دارند، توسعه بخشیده بلکه امکانات سرمایه گذاری مشترک را درین عرصه توسط چندین کشور فراهم نموده و منجر به صدور انرژی برق مخصوصاً به کشور های جنوب و شرق آسیا و همکاری های دایمی بین کشور های منطقه میگردد که نه تنها در انکشاف پایدار اقتصادی موثر بوده بلکه در تامین امنیت منطقه یی هم با اهمیت تلقی میگردد.

ایجاب مینماید که ادارات ذریبط در انکشاف هرچه بیشتر سکتور انرژی پالیسی دقیق و جامع را ترتیب و از منابع مالی که از سکتور معادن بدست میاید در سکتور انرژی سرمایه گذاری گردد.

تدابیر دارای الویت در سکتور انرژی

- 1- تمرکز بیشتر سرمایه گذاری روی تولید برق از منابع مختلف آبی، حرارتی، آفتابی، بادی و غیره باتاکید روی سرمایه گذاری بالای مهار نمودن ذخایر آبی کشور بمنظور استفاده زراعتی و تولید برق.
- 2- اقدامات لازم برای فراهم نمودن انرژی برای سکتور صنایع با در نظر داشت نرخ انرژی برای صنعتکاران در کشور های همسایه و منطقه.

3- پالیسی جلب سرمایه گذاری خصوصی و مختلط درین سکتور و دریافت بدیل های مختلف برای تمویل سرمایه گذاری روی بند های تولید برق آبی.

4- سرمایه گذاری های مشترک با کشور های منطقه در سکتور تولید انرژی.

پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند

- میگاوات برق (آبی، حرارتی، آفتابی، بادی و توریدی)،
- فیصدی ساحات صنعتی و رهايشی که تحت پوشش قرار گرفته اند،
- تعداد تاسیسات احداث شده تولید انرژی
- تعداد بند های آبگردان

4. سکتور مواصلات و مخابرات

از آنجاییکه افغانستان دارای موقعیت استراتژیک منحصی پل ارتباطی میان آسیای مرکزی، شرق میانه و آسیای جنوبی میباشد، بناً نقش ارزنده و اساسی در ادغام اقتصاد منطقوی و ایجاد مارکیت ها برای محصولات زراعتی و افزایش ارزش اضافی آنها دارد. مطالعات اقتصادی بیانگر آنست که در صورت تامین پل ارتباطی آسیای جنوبی با آسیای میانه و شرق میانه در مصارف صادرات و واردات منطقوی 10 الی 15 فیصد کاهش بعمل آمده و خود سبب افزایش حجم دوران تجارت (واردات و صادرات) در منطقه میگردد که افغانستان از این بابت نفع زیادی خواهد برد. در این سکتور نه تنها باید روی زیرساختار سکتور ترانسپورت مانند احداث شبکه خط آهن و سرکهای که افغانستان رابه کشورهای همسایه وصل مینماید دقت گردد، بلکه باید روی تحقق تفاهمنامه های تجارتي و ترانزیتی که در سطح منطقه امضا گردیده مانند APTA, TAPI, SAFTA, ECOTA و غیره توجه جدی صورت بگیرد تا موافقتنامه های متذکره جنبه عملی گرفته و منحصی یک کشور محاط به خشکه افغانستان از آنها مستفید گردد.

ترانسپورت هوایی در جنب ترانسپورت زمینی نقش مهم و ارزنده در انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور داشته دولت زمینه بهتر انسجام فعالیت های ترانسپورت هوایی را در مطابقت با ترانزیت ملی و بین المللی از طریق جلب سرمایه گذاری خصوصی با ایجاد شرکت های مختلط و سهامی مساعد میسازد تا هموطنان و سایر متشبین ملی و بین المللی از یک کشور به کشور دیگر و از یک قاره به قاره دیگر از طریق ترانسپورت هوایی عزیزت نمایند و بتوانند امور اقتصادی و فعالیت های تجاری خویشرا انجام دهند.

سکتور مخابرات در انکشاف اقتصادی جامعه مانند سایر سکتور ها از اهمیت خاص برخوردار بوده دولت و متشبین خصوصی میتوانند در فاصله زیاد بین القاره با استفاده از تکنالوژی مخابراتی در وقت کم تامین ارتباط نماید و امور و معاملات تجاری و اقتصادی را انجام دهند. دولت سعی مینماید تا با جلب سرمایه گذاری وسیع سکتور خصوصی در چوکات قوانین نافذه با بکار انداختن تکنالوژی های مطمین، جدید و استندرد و عاری از هر نوع اضرار صحی، سیاسی و اقتصادی این سکتور را انکشاف دهد. خوشبختانه سکتور مخابرات طی سالهای اخیر بصورت نسبی انکشاف خوبی نموده است.

تدابیر دارای اولویت در سکتور مواصلات و مخابرات

1. احداث سرک ها و خطوط آهن که از نظر اقتصادی از دهلیز های منابع طبیعی گذشته و افغانستان را با کشور های منطقه وصل نماید.
2. طرح و تطبیق میکانیزم حفظ و مراقبت زیربنا ها.
3. رفع عاجل موانع ترانزیتی، تجارتي و ترانسپورتی با اتکا به مواد تفاهمنامه های تجارتي و ترانزیتی منطقی دو جانبه، منطقه بی و بین المللی.
4. احداث و تنظیم میادین هوایی بین المللی با استندرد ICAO و میدان های هوایی جهت پرواز های داخلی.
5. ایجاد شرکت های ترانسپورتی با وسایط مجهز و استندرد که بتوانند حمل و نقل کالا ها و مسافین را در بین کشور های منطقه انجام دهند.
6. احیای مجدد ترانسپورت عامه برای شهر های بزرگ کشور.
7. مدرنیزه ساختن مراکز و نهاد های کنترولی و حصول بهتر عواید از بنادر و میادین هوایی
8. افزایش فیصدی ساحات دارای پوشش خدمات مخابراتی و انترنتی.

غرض پیمایش پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق شاخص های آتی در نظر است

- کیلو متر سرک جدیداً احداث/قیر ریزی شده (درجه یک، دو و سوم) و کیلو متر سرک بازسازی شده (درجه یک، دو و سوم)،
- کیلو متر خط آهن احداث شده،
- تعداد میادین هوایی ملی و بین المللی،
- تعداد شرکت های هوایی به تفکیک نوع سرمایه گذاری و خدمات،
- تعداد شرکت های ترانسپورت زمینی با وسایط فعال،

- تعداد مشترکین خدمات تلفون های سیار و دیجیتالی،
- فیصدی تحت پوشش خدمات انترنتی از طریق فایبر نوری.

5. سکتور انکشاف شهری

سکتور انکشاف شهری در روند انکشاف اقتصادی افغانستان از اهمیت خاصی برخوردار است. مدیریت موثر روند سریع رشد شهر نشینی و مناطق شهری می‌تواند رشد اقتصادی را تسهیل نموده و رفاه اجتماعی را بشمول فقر زدایی سبب گردد. مراکز شهر ها نیروی محرک رشد اقتصادی بسیاری از کشور ها تلقی می‌گردند. مراکز شهر ها دارای سطح بالای تولید از طریق جمع‌آوری سرمایه، سرمایه گذاری، تجارت و از سبب تجمع واحد های اقتصادی سبب صرفه جوی مصارف در رشد اقتصادی کمک چشمگیری مینماید. سرمایه گذاری در سکتور انکشاف شهری باعث ایجاد فرصت های شغلی بصورت گسترده میگردد. رشد شهر ها از طریق افزایش تقاضا به غذا، بازار ها برای تولیدات دهات، فراهم آوری فرصت های شغلی برای دهاقین در ایام غیر فصلی سبب رشد دهات نیز میگردد. بلاخره مناطق شهری کمک مینماید تا شهروندان با جهان وصل گردند و انتقال اجناس، خدمات و معلومات و رفت و آمد مردم را تسهیل مینماید.

انکشاف شهر ها اگر بصورت درست مدیریت گردد، از نقطه نظر رفاه اجتماعی، شهر ها از ظرفیت های وسیع برای کاهش فقر و بهبود سطح رفاهیت برخوردار است. شهر ها فرصت های شغلی متنوع، فرصت های خوب تعلیم و تربیه و مراقبت های صحی، فرصت مشارکت سیاسی و اجتماعی، برقراری روابط فرهنگی و فرصت های تغیر مثبت اجتماعی، و رفاه زنان و جوانان را فراهم مینماید.

از طرف دیگر رشد سریع و کنترل نشده شهر ها میتواند باعث تخریب محیط زیست شود. شهر ها تاثیرات زیاد اقلیمی را بجا میگذارند و باعث ایجاد مشکلات محیط زیست میگردد به همین ترتیب اگر توسعه شهر ها کنترل شده و بصورت دقیق مدیریت نگردد سبب بروز نا امنی ها، خشونت ها، و جرایم میگردد. متأسفانه، در طی دهه گذشته با وجود سعی و تلاش ها انکشاف شهر بصورت کنترل نشده در عدم موجودیت یک پالیسی جامع انکشاف شهری صورت پذیرفته است. ارقام بیانگر این امر است که در کابل منحصاً پایتخت کشور و یکی از بزرگترین شهر ها تقریباً 31% خانه در ساحات پلانی و متباقی 69% اسکان در ساحات غیر پلانی قرار دارند.

تدابیر دارای اولویت در سکتور انکشاف شهری

1. بهتر ساختن مدیریت انکشاف شهری از طریق طرح و تطبیق پالیسی ملی انکشاف شهری و جلو گیری از انکشاف کنترل نشده ساحات شهری (ساحات غیر پلانی)
2. فراهم نمودن دسترسی به مالکیت مصوون و خدمات بهتر و تسهیلات عامه برای ساکنین ساحات غیر پلانی
3. هماهنگی موثر غرض فراهم نمودن خدمات زیربنایی شهری مانند، آب آشامیدنی، سرک، انرژی، سیستم کانالیزاسیون، تفریحگاه ها، ترانسپورت شهر و غیره

4. تهیه مسکن قابل اسطاعت و فراهم نمودن قرضه های درازمدت برای مسکن

5. ابتکارات غرض افزایش سهمگیری سکتور خصوصی در عرضه خدمات زیربنایی شهری

6. تقویت ظرفیت نهادی بخاطر پلانگذاری و مدیریت موثر انکشاف شهری

پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند

- فیصدی اکمال پلان های انکشافی شهری/ماستر پلان های شهری برای 34 ولایت افغانستان
- فیصدی افزایش دسترسی به خدمات اساسی شهری
 - فیصدی ساکنین ساحات غیر پلانی که دسترسی به خدمات اساسی شهری دارند
 - فیصدی ساکنین ساحات پلانی که دسترسی به خدمات اساسی شهری دارند
- فیصدی دسترسی مردم به مسکن قابل اسطاعت و قروض دراز مدت
- فیصدی افزایش سرمایه گذاری سکتور خصوصی در زیربنا سکتور انکشاف شهری

6. سکتور معادن

بر علاوه کمک های سخاوت مندان جامعه جهانی در دهه گذشته و تعهدات جدید شان در کنفرانس توکیو برای دهه آینده (دهه تحول)، حکومت افغانستان تمرکز جدی روی افزایش عواید از منابع داخلی خواهد نمود. معادن کشور در بلند بردن سطح عواید داخلی کشور منبع فوق العاده مهم بوده، از این جهت، سروی، استخراج و استفاده موثر و شفاف معادن کشور غرض سرمایه گذاری دقیق روی الویت های اقتصادی و اجتماعی کشور از اهمیت خاص برخوردار است. مطابق به بررسی ها و پیشبینی های که در این سکتور بعمل آمده سالانه عواید معادن بالغ به 1.5 میلیارد دالر در سال افزایش تدریجی خواهد نمود که این افزایش الی سال 2026 به 3.8 میلیارد دالر در سال خواهد رسید. اگر تخمین متذکره جامه عمل بپوشد افغانستان زود تر از وابستگی به کمک های خارجی رهایی مییابد. بدون شک عواید حاصله از معادن در تعادل بیلانس تادیات و ثبات مالی نقش کلیدی را بازی خواهد کرد. نکته قابل اهمیت این است که از عواید معادن باید در پروژه های زیربنایی چون تولید انرژی و زیربنا های ترانسپورتی و بند و انهار و پروژه های انکشاف ظرفیت تکنالوژیکی و منابع بشری تخنیک استفاده بعمل آید.

منافع ملی ایجاب می نماید که حتی المقدور سعی بعمل آید تا تثبیت ذخایر معدنی توسط سکتور دولتی صورت گیرد و بهره برداری و یا استخراج معادن به سکتور خصوصی محول گردد.

تدابیر دارای اولویت در سکتور معادن

1. تجدید نظر در قانون معادن و مقرره ها که در آن حدود مسوولیت های دولت و سکتور خصوصی در رابطه به تفحص، اکتشاف، و بهره برداری معادن بر مبنای منافع ملی مشخص گردد.
2. تجدید نظر بر پالیسی های مربوط مطابق به قانون جدید.
3. استفاده معقول از عواید معادن و سرمایه گذاری دقیق آن بالای پروژه های بزرگ اقتصادی و نظارت آن.
4. توانمند شدن این سکتور از لحاظ نیروی منابع بشری تا از یکطرف وابستگی این سکتور تدریجاً از منابع خارجی کاهش یابد و از جانبی پروسه نظارت دولت از کارکرد های سکتور خصوصی درین عرصه افزایش یابد.

شاخص های که ذریعه آن پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق اندازه گیری میگردند قرار ذیل اند

- عواید سالانه معادن، عقد قرارداد های معادن کشور بعد از ارزیابی همه جانبه توسط گروپ های تخنیکی و بصورت شفاف و مبتنی بر منافع ملی کشور،
- میزان جذب سرمایه گذاری های سالانه در این سکتور،
- میزان کار ایجاد شده در این سکتور.

7. انکشاف منابع بشری و خدمات اجتماعی

دسترسی به تحصیلات عالی مدرن و آموزش های فنی و مسلکی که پاسخگوی مارکیت کار باشد، تعلیمات عمومی، و همچنان دسترسی به خدمات صحی از اولویت های رشد و ارتقای سالم و موثر منابع بشری محسوب میگردد که در دراز مدت ضامن رشد و انکشاف پایدار اقتصادی خواهد گردید.

انکشاف منابع بشری باید همگام با انکشاف سکتور های اقتصادی شامل این پالیسی باشد زیرا بدون موجودیت نیروی متخصص و مسلکی انکشاف اقتصادی مطلوب نمیشد و ضمناً اداره سالم و باظرفیت هیچ گاه بوجود آمده نمیتواند. سیستم تعلیمی و تحصیلی و عرضه خدمات صحی با کیفیت، مستلزم تغیر بنیادی در نصاب تعلیمی و تحصیلی، ایجاد زیر بنا ها و تجهیز کمی و کیفی، برقراری ارتباطات نزدیک اکادمیک با موسسات تعلیمی و تحصیلی و صحی کشور و پیروی از پالیسی خود کفایی شدن نهاد های عالی تحصیلی و صحی میباشد.

وضعیت تغذی به صورت مستقیم بالای رشد ذهنی، جسمی و روانی نفوس کشور اثر گذار بوده و نفوس فعال اقتصادی افغانستان را میتواند به یک کتله غیر فعال و بی علاقه مبدل سازد.

تدابیر دارای الویت در سکتور منابع بشری و خدمات اجتماعی

- 1- دسترسی به تعلیمات عمومی با کیفیت تر.
- 2- دسترسی به خدمات اساسی صحی و معافیت کتلوی.
- 3- توجه جدی به مراقبت های وقایوی بخصوص تشویق برای استفاده از غذا های صحی، تمرینان تغذی مناسب و جلوگیری از تمام انواع سوتغذی
- 4- بهبود کیفیت نهاد های تحصیلات عالی مطابق با نیازمندی های داخلی و معیارات بین المللی اعم از موسسات تحصیلات عالی، دولتی و خصوصی.
- 5- آموزش های حرفوی مرتبط به مارکیت.
- 6- ارتقای عرضه خدمات صحی و مراقبت از چگونگی عرضه خدمات مطابق به استاندارد های وضع شده صحی.
- 7- ایجاد زیربنا ها و تجهیز زیربنا های تعلیمی، تحصیلی و صحی مطابق به استاندارد ها.

پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های ذیل اندازه گیری میگردند

- تعداد شاملین موسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی،
- تعداد شاملین و فارغین از موسسات آموزش های فنی و مسلکی،
- فیصدی ساحات تحت پوشش خدمات اساسی صحی و شفاخانه یی ،
- فیصدی سوتغذی مزمن
- تعداد شاملین تعلیمات عمومی.

8. انکشاف سکتور خصوصی

سکتور خصوصی منحصیث ماشین رشد در رشد اقتصادی کشور و جایگزین مناسب کمک های خارجی در کشور محسوب میگردد. خوشبختانه، حکومت جمهوری اسلامی افغانستان در سند بسوی افغانستان خود کفا که در کنفرانس توکیو (2012) به جامعه جهانی ارایه نمود، تعهد خود را مبنی بر اتخاذ تمام اقدامات لازم برای رشد سکتور خصوصی اعلام نمود. سکتور خصوصی ننتها منحصیث عامل مهم رشد اقتصادی، افزایش سطح استخدام و ازدیاد عواید بوده، بلکه سبب ایجاد میکانیزم بهتر عرضه خدمات و تولید کالاها، استفاده بهتر و موثر تر از منابع بشری و طبیعی موجود، ارتقای ظرفیت های تولیدی و

خدماتی، تامین صلح و ثبات، ادغام افغانستان از نظر اقتصادی با منطقه و جهان، و نهایتاً سبب ایجاد امید به آینده خوب میگردد.

از آنجاییکه ما شدیداً به کمک های خارجی متکی هستیم و قرار است که الی سال 2025 کمک های خارجی بصورت تدریجی کاهش یابد و در مقابل عواید داخلی دولت که فعلاً صرف 11% GDP را تشکیل میدهد به 21% افزایش نماید. بنابر افزایش عواید بدین سطح زمانی امکان پذیر است که ما دارای سکتور خصوصی فعال و دینامیک باشیم، به نحویکه حکومت منحصی تسهیل کننده، فراهم کننده، تنظیم کننده و پالسی ساز عمل نماید و سکتور خصوصی نقش تبدیل کننده تمام فرصت های موجود را به سرمایه داشته باشد.

سکتور خصوصی علاوه بر نقش بارزیکه در افزایش عواید دارد، مزیت های دیگر که میتواند به ارمغان بیارود عبارت از ایجاد قابل ملاحظه زمینه استخدام و اشتغال در کشور میباشد. چون بیکاری یکی از چالش های عمده که تقریباً نیم نیروی کار افغانستان بالخصوص زنان از آن رنج میبرند، میباشد. توقع برده میشود که سکتور خصوصی بر علاوه سهمگیری در سکتور اقتصادی، در سکتور اجتماعی چون عرضه خدمات صحی، تعلیم و تربیه و غیره نیز موثر عمل نماید. بنابر صورت خلاصه میتوان گفت که سکتور خصوصی با افزایش سطح عواید، استخدام و عرضه خدمات اثر مهم در ثبات و رشد پایدار اقتصادی دارد.

رشد سکتور خصوصی نیازمند و مقتضی حکومتمداری سالم، چارچوب حقوقی و قوانین مشوق سرمایه گذاری، حمایت سیاسی، حاکمیت قانون و نهاد های عدلی و قضایی که قادر به تنفیذ قانون باشد، میباشد. برعلاوه، حکومت باید در فراهم نمودن فکتور های تولید (منابع بشری، سرمایه، زمین، زیربنا ها و قرضه) که برای تشویق سرمایه گذاری ها فوق العاده مهم اند نیز توجه جدی نماید. حکومت باید اقدامات لازم را غرض حاصل نمودن اطمینان سرمایه گذاران اتخاذ و فضای مناسب برای سرمایه گذاری را فراهم نماید.

سکتور خصوصی نه تنها در ازدیاد صادرات نقش مهم داشته بلکه میتواند در سکتور های زراعت و مالداری، تولید انرژی، ساختمان، ترانسپورت، مواصلات و معادن از طریق قراردادهای طویل المدت دولتی سرمایه گذاری نماید.

لازم به تذکر است که موجودیت تاسیسات زیربنایی مانند زمین، برق، آب، کانالیزاسیون، ایجاد پارکهای صنعتی در مرکز و ولایات، تامین امنیت در کشور، از بین بردن فساد اداری و فراهم نمودن سایر تسهیلات در تقویه و انکشاف سکتور خصوصی نقش مهم دارند. ارگانها و ادارات دولتی باید زمینه خوبی را برای سرمایه گذاران سکتور خصوصی بویژه سرمایه گذاران متوسط و کوچک که در عرصه های قالبین بافی، گلیم بافی، پروسس و تولید مواد غذایی و محصولات زراعتی و میوه جات، پروسس سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی، در استخراج، قطع و صیقل نمودن سنگهای مرمر و رخام، در تولید مواد ساختمانی، صنایع چوب، صنایع چرمگری، نساجی، کشمیره و اعمار ساختمان های صنعتی و مدنی سرمایه گذاری مینمایند، تشویق

و حمایت نموده و سیاست حمایتی، مالی و تعرفوی معقول منجانب دولت به منظور توسعه و انکشاف سکتور خصوصی طرح و تطبیق گردد. در این پالیسی باید به موضوعات انکشافی و تاثیرات اقتصادی طویل المدت ترجیح داده شود و مشترکاً توسط وزارت های اقتصاد، مالی، تجارت و صنایع، سکتور خصوصی و سایر نهاد های ذیربط تصمیم اتخاذ گردد، چه سرمایه گذاری توسط سکتور خصوصی در این عرصه نه تنها تولید داخلی را افزایش داده و سطح استخدام را بلند می برد و در کاهش فقر موثر است، بلکه در ازدیاد و تشویق صادرات و تعویض واردات و نتیجتاً در توازن بیلانس تجارت نیز موثر می باشد. علاوه بر سرمایه گذاری در این عرصه ها در طویل المدت منجر به افزایش عواید دولتی نیز میگردد. از این جهت باید دولت در این زمینه توجه بیشتر نماید، چه به این اصل باید معتقد باشیم، که رشد و انکشاف اقتصادی کشور ما بدون رشد و انکشاف سکتور خصوصی اصلاً میسر نخواهد بود.

کاهش موانع تخنیکی تجارت و ایجاد تسهیلات لازمه جهت توسعه صادرات و دستیابی به مارکیت های بهتر منطقی و جهانی از طریق انکشاف زیربنای موثر کیفیت (استندرد سازی، مترولوژی، صدور تصدیقنامه های کیفی و اعتباردهی) در بهبود بیلانس تجارت از اهمیت ویژه برخوردار می باشد.

سکتور خصوصی باید در آن رشته ها سرمایه گذاری نماید که کشور ما در آن دارای مزیت نسبی بوده و مواد خام آن از داخل تهیه و قابلیت رقابت در کشور و منطقه را داشته باشد. با در نظر داشت توضیحات فوق باید گفت که مداخله مناسب دولت از طریق سیاست حمایتی در رشد و انکشاف سکتور خصوصی و حمایت آن در مقابل سیاست دمپینگ کشور های همسایه در شرایط کنونی دارای اهمیت زیاد است.

تدابیر دارای اولویت در انکشاف سکتور خصوصی

- 1- توازن بیلانس تجارت و افزایش تولیدات داخلی.
- 2- طرح و تطبیق پالیسی ها و برنامه ها برای انتقال سکتور خصوصی غیر رسمی به سکتور خصوصی رسمی.
- 3- همکاری مشترک دولت و سکتور خصوصی در ایجاد صنایع ثقیله بالخصوص در استفاده از محصولات معدنی (آهن، مس، نفت)
- 4- فراهم نمودن تکنالوژی های ساده و حمایت از صنایع دستی و صنایع مرتبط به سکتور زراعت.
- 5- فراهم نمودن زمینه رقابت در مارکیت و جلوگیری از انحصار و ایجاد گروه های انحصار گر.
- 6- فراهم نمودن سهولت های بیمه و حمایت از صنایع نوپا ذریعه معافیت های مالیاتی و گمرکی

7- عرضه خدمات استاندارد سازی منجمله صدور تصدیقنامه های کیفی با اعتبار وقابل پذیرش در مارکیت های منطقی و بین المللی.

پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند

- فیصدی سرمایه گذاری سکتور خصوصی،
- فیصدی سطح بیکاری، فیصدی افزایش عواید داخلی،
- تناسب سکتور خصوصی غیر رسمی و رسمی،
- فیصدی صادرات و واردات کشور

9. سکتور حکومتداری

حکومتداری خوب در حقیقت عامل عمده ثبات سیاسی و امنیتی، و فراهم کننده زمینه انکشاف اقتصادی و اجتماعی و عرضه بهتر خدمات میباشد. از سال 2002 بدینسو ما اقدامات موثری را در راستای انکشاف و تحکیم ارزش های حکومتداری خوب، ایجاد و تقویت نهاد ها، پالیسی ها و قوانین مربوط به بهبود حکومتداری خوب اتخاذ نموده ایم. با وجود پیشرفت ها هنوز هم چالش ها در پیش رو ما قرار دارند. هویدا است که نیاز جدی برای بلند بردن ظرفیت و مدیریت بهتر نهاد های دولتی غرض عرضه بهتر خدمات هم در سطح مرکز و ولایات کشور وجود دارد.

تدابیر دارای الویت در سکتور حکومتداری

- 1- ساده سازی پروسیجر های اداری، مالی و تدارکاتی.
- 2- تقویت حسابدھی و شفافیت و مبارزه جدی با فساد اداری.
- 3- تقویت و برجسته شدن نقش حکومتداری محلی بر اساس پالیسی حکومتداری محلی.
- 4- حصول اطمینان از تامین فضای امن و شفاف انتخاباتی.
- 5- اصلاح ساختاری و جلوگیری از طویل بودن پروسه ها و سپردن کار به اهل آن بر اساس شایستگی و تخصص.

شاخص های که ذریعه آن پیشرفت های ساحات دارای اولویت این سکتور اندازه گیری میگردند، قرار ذیل اند

- فیصدی افزایش مصرف بودجه انکشافی با در نظر داشت ساده سازی و ارتقای ظرفیت نهاد های دولتی،
- ثبت و اشاعه دارایی های مقامات عالی رتبه،
- نقش و وظایف نهاد های ولایتی مشخص و بر مبنای آن اجرای وظیفه مینمایند،

- فیصدی ادارات دولتی که سیستم رتب و معاش را سپری نموده اند،
- اتخاذ آماده گی های لازم برای برگزاری انتخابات 1393.

10. همکاری های منطقی و بین المللی

افغانستان در مسیر تاریخ بنا بر ایفای نقش مهمی که به عنوان پل ارتباطی در قلب آسیا، در راستای ایجاد همکاری های منطقی و بین المللی داشته همواره از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و به همین دلیل در مقاطع مختلف تاریخ با کشور های مختلف منطقه و فرا منطقه وارد ایتلاف ها و اختلاف ها شده است.

علی الرغم اینکه افغانستان بطور فزاینده در مسیر توسعه پایدار، پیشرفت و ارتقای سطح زندگی قرار داشته، ولی باز هم به کمک ها و همکاری های همه جانبه منطقی و بین المللی نیاز خواهد داشت. توسعه منابع طبیعی و بشری افغانستان در تامین ثبات منطقی، رشد پایدار اقتصاد و احیای مجدد افغانستان بعد از سی سال جنگ امر مهم پنداشته می شود. کشور های که در افغانستان در عرصه های مختلف طی سالهای متمادی منافع و حضور چشمگیر داشته اند باید به تعهدات شان جهت تقویت و همکاری دراز مدت خویش بمنظور رشد و انکشاف اقتصادی پایدار با در نظر داشت قانون اساسی، تاریخ و واقعتهای اجتماعی افغانستان عمل نمایند.

طی دهه گذشته دولت جمهوری اسلامی افغانستان در عرصه همکاری های منطقی گام های محکم برداشته و عضویت اکثریت سازمان های همکاری منطقی و فرامنطقی را حاصل نموده است. برعلاوه آنها تعداد زیادی موافقتنامه های دو جانبه و چند جانبه منطقی و فرا منطقی را به امضا رسانیده است. بنا، برای حفظ و تداوم موفقیت فوق نیاز جدی جهت مدیریت بهتر برای طرح و تطبیق راهبرد های عملی موافقتنامه ها و پیمان های استراتژیک امضا شده و نظارت جدی آن دیده میشود.

تدابیر دارای اولویت در سکتور همکاری های منطقی و بین المللی

- 1- طرح پالیسی همکاری های منطقی و بین المللی.
- 2- بازرسی از چگونگی تطبیق و یا عدم تطبیق موافقتنامه ها، پیمان ها، و پروتوکول های دو جانبه یا چند جانبه منطقی یا فرا منطقی و ارایه گزارش آن.
- 3- با در نظر داشت منافع ملی همکاری های منطقی و فرامنطقی از نظر اقتصادی بررسی و اولویت بندی گردد.

4- سرمایه گذاری های دراز مدت منطقی و بین الدول مانند زیربناهای ترانسپورتی و انرژی و استخراج منابع طبیعی در ثبات سیاسی و امنیتی منطقه فوق العاده موثر است، در محراق توجه قرار گرفته، تمویل کننده گان و جامعه جهانی باید برای تمویل آنها تشویق گردند.

5- غرض تطبیق موثر موافقتنامه های منطقی و فرامنطقوی راهبرد های عملی و قابل تطبیق طرح و از تطبیق آنها نظارت و پیگیری صورت گیرد.

پیشرفت ها در ساحات دارای اولویت فوق توسط شاخص های آتی پیمایش میگردند

- پالیسی همکاری های منطقی طرح و به منصفه اجرا قرار گیرد،
- گزارشات سالانه از چگونگی پیشرفت پیمان ها، موافقتنامه ها و سازمان های همکاری منطقی و فرا منطقی ترتیب و نشر میگردد،
- طرح های عملی و تطبیقی پیمان های استراتژیک، موافقتنامه ها و پروتوکول های منطقی و بین المللی ترتیب و به منصفه اجرا قرار میگیرند،
- تعداد پروژه های بزرگ و دراز مدت منطقی (خصوصاً با همسایگان) و بین المللی

۷.۱. میکانیزم تطبیق پالیسی اقتصادی

پالیسی اقتصادی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به مثابه رهنمود و خطوط اساسی اقتصادی دولت ارائه گردیده که تمام پالیسی ها و پلانهای انکشافی سکتوری ادارات مختلف کشور در هماهنگی به آن ترتیب و تنظیم میگردند. هیچ پالیسی سکتوری نمیتواند در تضاد با این پالیسی باشد.

وزارت اقتصاد مکلف است تا چگونگی هماهنگی تمام پالیسی های سکتوری را با پالیسی اقتصادی نظارت نماید. تحقق بهتر پالیسی اقتصادی مستلزم همکاری متقابل بین وزارت های اقتصاد، مالیه، سکتور خصوصی و سایر وزارت ها و ادارات سکتوری میباشد.

وزارت ها و ادارات سکتوری در تطبیق و تحقق پالیسی اقتصادی که به ساحه فعالیت شان ارتباط داشته باشد مکلف بوده و در ترتیب و تنظیم پالیسی های مربوط خود بمنظور حصول اهداف پیشینی شده و تحقق بهتر پالیسی اقتصادی کشور مساعی لازم نمایند. وزارت ها و ادارات حین طرح پالیسی ها و پلان های مربوط شان پالیسی اقتصادی را در نظر داشته و وزارت اقتصاد را در جریان قرار دهند.

وزارت مالیه مکلف به فراهم نمودن وجوه مورد نیاز از منابع داخلی و خارجی چون جلب کمک های جامعه جهانی و قرضه های طویل مدت با شرایط سهل جهت تمویل پروژه ها میباشد. نظر به تعهدات اخیر جامعه جهانی در کنفرانس توکیو (2012) جامعه جهانی 50% منابع شانرا از طریق بودجه دولت و 80% پروژه های شانرا که خارج از بودجه ملی تطبیق خواهند کرد باید در مطابقت به برنامه های ملی دارای اولویت باشد. برای تطبیق این تعهد نیاز مبرم به طرح یک پالیسی استفاده موثر از کمک ها است که وزارت مالیه آنرا در تفاهم با جامعه جهانی ترتیب و از تطبیق آن بصورت دقیق تر نظارت و پیگیری نماید.

وزارت تجارت و صنایع مکلف است تا غرض رشد سکتور خصوصی و توازن بیلبانس تجارت در کشور پالیسی تشویق صادرات را طرح و از تطبیق آن بصورت دقیق نظارت نماید. جهت فراهم نمودن اطمینان سرمایه گذاران و تشویق هرچه بیشتر سرمایه گذاری در سکتور های تولیدی (صنایع نساجی، مواد ساختمانی، صنایع دستی، و صنایع مواد خوراکی و سایر ساحات که دارای مزیت نسبی است) طرح های مشخص را ترتیب و به منصفه اجرا قرار دهد.

دافغانستان بانک منیجمنت یک نهاد مستقل در هماهنگی با وزارت های سکتور اقتصادی مکلف است تا در قسمت ثبات اقتصادی هم از حفظ ارزش افغانی، ثبات قیمت و تعادل بیلبانس تادیات اقدامات لازم نموده و وسایلی را که در دسترس دارند، موثرانه بکار گیرند. چون سکتور بانکداری در بدست آوردن اهداف سیاست اقتصادی فوق العاده مهم بوده بنا، دافغانستان بانک باید طرح مشخص سوپرویزن، نظارت و فراهم نمودن تسهیلات برای انکشاف سکتور بانکداری را ترتیب و از تطبیق آن نظارت جدی نماید.

تمام وزارت های سکتوری به طرح ، تطبیق و نظارت از برنامه های مشخص و پلان دقیق تطبیقی آنها در مطابقت به اهداف کلی سیاست اقتصادی مکلف اند.

اداره مرکزی احصاییه در جمعآوری اعداد، ارقام و معلومات صحیح احصاییوی اقتصادی توجه جدی به عمل آورد.

تطبیق، نظارت و ارزیابی پالیسی اقتصادی، گامی است بسوی رفاه اقتصادی و اجتماعی که نیاز به همکاری نزدیک نهادهای بودجوی و شرکای انکشافی افغانستان دارد. روند نظارت و ارزیابی وسیله ای است که از تطبیق به موقع و موثر پلان ها اطمینان داده و زمینه درک بهتر موانع و مشکلات را مهیا ساخته تا در مواقع مناسب تصمیم مناسب اتخاذ و اجراء موثر صورت گیرد. این روند در ایجاد اداره سالم، بهبود اجراء سکتور عامه، تامین شفافیت و نهادینه ساختن روند تصمیم گیری مبتنی بر شواهد و واقعیت ها ما را تقویت مینماید.

ریاست عمومی پالیسی، نظارت و ارزیابی استراتیژی انکشاف ملی افغانستان
شماره تماس: www.moec.gov.af 2103998